چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۲۰۲
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

افسانه تقویت مدارس دولتی عادی

محمدصادق تراب‌زاده‌جهرمی
پژوهشگر هسته عدالت اجتماعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

در دعوای مدارس دولتی-غیردولتی، برخی به دنبال حذف یا کاهش مدارس غیردولتی هستند و برخی نیز به دلیل دشواری چنین کاری، راه میانه درپیش گرفته و ایده «تقویت مدارس دولتی عادی» را دنبال می‌کنند. اما آیا واقعا چنین ایده‌ای قابلیت تحقق دارد؟

چرا درگذشته، مدارس دولتی عادی تقویت نشد؟

برای پاسخ به این سوال، ابتدا باید پرسید چرا مدارس دولتی خاص و مدارس غیردولتی ظهور کردند؟ مگر نمی‌شد مدارس دولتی عادی را تقویت کرد و اقدام به تاسیس مدارس دیگر نکرد؟ ممکن است برخی پاسخ دهند دولت به جهت کمبود منابع، مایل بود از جیب دیگران و با مسئولیت دیگران، اقدام به توسعه آموزش کند و از این رو، مدارس غیردولتی را مجاز اعلام کرد. بر این مبنا، تنها مانع تقویت مدارس دولتی، مدیران و سیاستگذارانی بودند که نمی‌خواستند منابعی به مدارس دولتی عادی تزریق کنند.

اشاره به مشکلات مالی دولت در اداره آموزش، ممکن است بخشی از پاسخ باشد اما همه پاسخ نیست. اشکال را با مثالی فرضی توضیح می‌دهیم. شما برای مواد غذایی به مغازه‌ای وارد می‌شوید. فروشنده اعلام می‌کند خرید رایگان است. آیا شما از این امر ناراحت شده و به مغازه دیگری خواهید رفت تا بابت خرید، پولی پرداخت کنید؟ قطعا خیر. هیچ دلیلی ندارد خرید رایگان را بر خرید پولی ترجیح ندهید؛ مگر اینکه جنس «مورد نظر» یا کیفیت «مورد نظر» خود را در مغازه اول پیدا نکنید. به تناسب تنوع خریدار هم ممکن است جنس و کیفیت، متفاوت تعریف شود زیرا نظام ترجیحات افراد با یکدیگر متفاوت است.

براساس مثال فوق مشاهده می‌شود وقتی مدرسه دولتی رایگان موجود است، چرا خانواده‌ها باید حاضر باشند با تحمل هزینه، به مدارس غیردولتی دسترسی داشته باشند؟ حتما پاسخ شما آن است که چون آموزش، فضا و کیفیت لازم براساس انتظار آنها، درون مدارس دولتی عادی یافت نشده است. آیا اگر پول بیشتری به مدارس دولتی عادی تزریق شود، این انتظارات تامین می‌شود؟ احتمالا در برخی موارد بله. اما مواردی هم هست که با پول بیشتر نمی‌توان آن را تامین کرد: خانواده‌هایی که می‌خواهند جمعیت دانش‌آموزی خاص یا متفاوتی به لحاظ هوشی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، مذهبی و فرهنگی، سیاسی، زبانی، قومی یا وضعیت والدین تجربه کنند. خانواده‌هایی که می‌خواهند به لحاظ برنامه درسی، فوق برنامه، نحوه اداره مدرسه، کیفیت و رفتار کادر مدرسه، فضای آموزشی، امکان تعامل با مدرسه و... مدرسه متفاوتی را تجربه کنند. خانواده‌هایی که می‌خواهند بنا به دلایل مختلف ازجمله محل کار والدین، امکان انتخاب مدرسه خارج از محدوده تعریف‌شده جغرافیایی داشته باشند و به دلایلی از این قبیل، نمی‌توانند با تزریق بیشتر پول توسط دولت به مدارس دولتی عادی، انتظارات‌شان را تامین کنند.

پس مدارس دولتی عادی فعلی، ظرفیت پاسخگویی به تنوع نیازها و ترجیحات آموزشی و غیرآموزشی والدین را ندارند و با تزریق صرفا پول بیشتر، نمی‌توان این انتظارات را تامین کرد. پس تا زمانی که والدین مایل به خروج از مدارس دولتی عادی نباشند، امکان حیات برای مدارس غیردولتی وجود ندارد. ریشه را در این نقطه باید جست‌وجو کرد. به بیانی دقیق‌تر، مدارس دولتی خاص و مدارس غیردولتی، زاییده اشکالات درونی مدارس دولتی هستند. تداوم مدرسه دولتی عادی، یعنی تداوم مدارس دیگر.

دلایل جزئی خروج از مدارس دولتی عادی فعلی را می‌توان چنین برشمرد: نارضایتی از ترکیب جمعیت دانش‌آموزی و والدین آنان[1]، نارضایتی از فضای آموزشی-تربیتی مدرسه، فقدان تنوع در برنامه درسی رسمی و آشکار، نارضایتی از فضای اداره و تعامل مدرسه با والدین، عدم امکان انتخاب مدرسه خارج از محدوده جغرافیایی تعیین‌شده، ضعف تجهیزات و منابع مدرسه، نارضایتی از کیفیت معلم و... اما چرا امکان اصلاح این موارد درون مدرسه دولتی عادی فراهم نیست؟

پاسخ آن است که ساختار و قاعده مدرسه دولتی عادی در شرایط فعلی، بر استانداردسازی، عدم تنوع آموزشی، اداره متمرکز و بروکراتیک، تعیین مدرسه برای دانش‌آموز براساس موقعیت جغرافیایی و... بنا شده است که عموم این نارضایتی‌ها را پاسخگو نخواهد بود. جالب توجه اینجاست که تامین عمده این انتظارات، یعنی تغییر ساختاری جدی مدرسه دولتی عادی. در این صورت، دیگر مدرسه دولتی عادی به شکل فعلی نخواهیم داشت و با شکل دیگری از مدرسه مواجهیم.

چرا مدارس دولتی خاص و مدارس غیردولتی مساله شده‌اند؟

از زاویه دیگری هم می‌توان به افسانه بودن ایده تقویت مدارس دولتی عادی فعلی پرداخت. چرا مدارس دولتی خاص و مدارس غیردولتی برای مدرسه دولتی عادی مساله هستند؟ اساسا اجازه دهید مدارس دیگر به فعالیت خویش ادامه دهند و شما نیز به تقویت مدارس دولتی عادی بپردازید. فرض نویسنده آن نیست که مدارس دولتی، عمدتا ضعیف هستند یا مدارس غیردولتی عمدتا خوب هستند یا مشکل همه مدارس دولتی، مدارس غیردولتی است (مثل مدارس عشایری و روستایی تک‌مدرسه‌ای و...). در بخش قبل گفتیم که مدارس دولتی فعلی، یک مجموعه نقص درونی دارند که شامل مدارس خوب دولتی ما هم می‌شود. در این بخش، ضعف ایده تقویت مدارس دولتی عادی را در بستر تنوع مدارس بیان می‌کنیم.

مدافعان تنوع مدارس، در بیان خود فرض می‌کنند هیچ ارتباطی بین انواع مدارس وجود ندارد و می‌توان هر نوع مدرسه را مستقل از مدارس دیگر تقویت کرد یا تغییر داد؟ در نگاه خرد آنان، روابط بینامدرسه‌ای (مدرسه با مدرسه) و روابط بین انواع مدرسه تعریف نشده است. این درحالی است که با فرض مدارس دولتی عادی فعلی و بدون حل تنوع مدارس، نمی‌توان کیفیت مدارس دولتی عادی را چندان ارتقا داد، چون عوامل کیفیت‌ساز به مدارس دولتی خاص و غیردولتی منتقل می‌شوند یا در آنها جایابی می‌شوند: معلم، ترکیب جمعیت دانش‌آموزی و ظرفیت والدین‌شان، برنامه درسی غیررسمی، کمی رسمی و عموما پنهان این مدارس، انعطاف در اداره و.... به عبارت دیگر آنچه کیفیت مدرسه را می‌سازد در ظرف ساختاری مدرسه جایابی می‌شود. وقتی ترجیحات والدین در مدارس دولتی عادی تامین نشود، قاعدتا به مدارس دیگر مهاجرت می‌کنند. این مهاجرت ترکیب جمعیت دانش‌آموزی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی دانش‌آموزان یک مدرسه را تغییر می‌دهد. تغییر بافت جمعیتی، به‌شدت بر نوع تعامل والدین و مدرسه، اثر جانبداری اولیا از دانش‌آموز خود، تغییر فضای آموزشی و تربیتی مدرسه و نوع روابط جدید دانش‌آموزان با یکدیگر موثر است که در ادامه بر نتایج یادگیری دانش‌آموزان اثر مستقیم می‌گذارد. از سوی دیگر ظرفیت‌ها و مشوق‌هایی که در مدارس دیگر تعریف می‌شوند امکان جذب مدیر، معلم و سایر فعالان آموزشی-تربیتی را در آن مدارس فراهم می‌کند. منظور این نیست که حتما معلم مدرسه دولتی به مدرسه غیردولتی می‌رود (البته به مدارس دولتی خاص می‌رود)، بلکه منظور آن است ظرفیت فعالان برای نقش‌آفرینی در مدرسه، به مدارس دولتی عادی اختصاص نمی‌یابد. درواقع، نظام اداره مدرسه در مدارس دیگر، ظرفیت‌ها و مشوق‌هایی را ایجاد کرده که در مدرسه دولتی عادی چنین نیست.

برای تقویت مدارس دولتی عادی، باید آن را بازطراحی کرد

چنانکه بیان شد، اگر مدارس دولتی عادی همچنان به شیوه فعلی عمل کنند، امکان تقویت جدی ندارند. این نتیجه‌گیری، هم تابع نقایص درونی مدارس دولتی عادی است و هم تابع ضربه‌هایی که مدارس دولتی عادی از مدارس دولتی خاص و مدارس غیردولتی دریافت می‌کنند. پس در کنار مساله تنوع مدارس مخرب و تفکیکی، ریشه‌های نقص درونی مدارس دولتی نیز که اشاره شد، باید پاسخ داده شود. سطح پاسخ در این مرحله، صرفا ابتکارات و اقدامات خرد نیست بلکه نیازمند «مدرسه دولتی از نوعی دیگر» هستیم.

پی‌نوشت

۱. ذکر این مولفه به معنای درست بودن آن نیست. اینکه خانواده‌ها میل به تفکیک اجتماعی دارند درون مدرسه دولتی عادی تأمین نمی‌شود و موجب خروج آنان می‌شود. در عین حال، قرار هم نیست به چنین انتظاری مشروعیت داده شود. پس باید مسیر دیگری برای پاسخ به این انتظار تعریف کرد.

پروا مکن بشتاب همت چاره‌ساز است

حسین سیستانی
معلم و دانشجوی حکمرانی

به رسم هرساله که در موعد بهار و بارش باران شاهد جریان یافتن رودخانه‌های فصلی هستیم در فرآیند تغییر دولت‌ها نیز شاهد پرآهنگ شدن موضوع وزیر مطلوب هستیم. از فردای معرفی و انتخاب وزیر دوباره سر در لاک فرو می‌بریم و منتظر هنگامه بعدی خواهیم ماند. کنشی سراسر انفعالی، هیجان‌زده و عمدتا بی‌اثر که به عادت تکراری فضای نخبگانی و سیاسی بدل شده است. همگان نیک می‌دانیم برآیند نظام آموزشی ما در دو دهه اخیر از نمرات آزمون‌های داخلی و خارجی تا چالش‌های هویتی، فرهنگی و اجتماعی با همه تلاش‌ها و هزینه‌ها، متاسفانه سیر نزولی داشته است. اگر وزرای پیشنهادی که از مجلس رای اعتماد نگرفتند را به فهرست بلندبالای وزرا و سرپرستان وزارت آموزش‌وپرورش در دو دهه اخیر اضافه کنیم با دو جین آدم‌هایی مواجه خواهیم بود که به‌رغم همه تفاوت‌های ظاهری، یک ویژگی مشترک دارند و آن هم عدم توفیق است. عجیب آن است که به‌رغم این رفت‌وآمدهای پرشمار و البته کم‌اثر اما همچنان در موعد انتخاب وزیر جدید باز هم همه چالش‌ها پیرامون افراد است تا فرآیندها و کمتر کسی در باب چرایی و ریشه‌یابی این معضل قدیمی قلم می‌زند و می‌اندیشد. آن‌طور که پیش می‌رویم سال‌به‌سال پروسه انتخاب وزیر سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود و برای قطع این مسیر باید تدبیر تازه‌ای کرد. شاید امروز جبران مسیر و سازوکار رشد درون ساختاری تا بالاترین رکن وزارتخانه سال‌های گذشته ناممکن باشد اما برای ساختن وزرای فردا همین امروز را باید غنیمت شمرد. به هرحال وضعیت نامطلوب امروز ما نتیجه غفلت‌های انباشت‌شده گذشته است و تغییر یکباره این فرهنگ سیاسی و صنفی از امورات ناشدنی است. اما فردا چه؟ فی‌المثل قرار است هشت سال یا ۱۶ سال بعد هم شاهد همین کلی‌گویی‌های به کلیشه بدل‌شده البته بی‌تاثیر باشیم؟ به‌گمانم آنچه امروز بر ترسیم ویژگی‌های وزیر مطلوب مقدم‌تر است، اجماع بر بازسازی فرآیندها و سازوکارهای مطلوب تربیت و انتخاب وزیر برای آینده است. این روزها کلیشه‌های همیشگی مدیر و مجرب بودن، داشتن دانش تخصصی دانشگاهی، طعم کلاس درس چشیدن، سرمایه اجتماعی در فضای سیاسی داشتن و امثالهم درباره وزیر را از زبان کارشناسان این حوزه بسیار می‌شنویم. دغدغه‌های محترمی که معمولا در راهروهای تاریکخانه لابی‌های سیاسی‌کاری از پیش نمی‌برند اما در میان همه این همهمه‌ها درباره چیستی ویژگی‌های وزیر مطلوب آنچه همیشه مغفول مانده، پرسش از چگونگی فرآیند مطلوب تربیت وزیر است. چه‌بسا اگر سازوکارها و روندها مبتنی‌بر ارزش‌های بنیادین عقلی و دینی چون مشارکت و جمهوریت، شفافیت و صداقت و... بنیان گذاشته و گذارده شوند آن وقت خروجی این فرآیندهای مطلوب به‌جای چالش تأسف‌بار انتخاب بین بد و بدترها به دغدغه شیرین انتخاب بین خوب و خوب‌ترها بدل خواهد شد. در چنین وضعیتی بازی باخت، باخت و باخت برای سه‌گانه نظام اسلامی، نهاد آموزش‌وپرورش و جامعه بزرگ ذی‌نفعانش به یک بازی برد، برد و برد تغییر ماهیت خواهد داد. آنچه در این میان اما این رویای ممکن شیرین را در کام‌ها تلخ می‌کند فقدان تاکید بر ضرورت همین بازاندیشی‌ها و بازسازی‌های ساختاری است. با چند پرسش ساده با پاسخ‌هایی که برای همگان بدیهی است، می‌توان برهنگی پادشاه فرآیندها و سازوکارهای مدیریت بهینه منابع انسانی در آموزش‌وپرورش را به رخ کشید. مادامی‌که روندهای جاری هم‌چنان پابرجا بمانند، اساسا امکان رسیدن به یک گزینه متخصص، متعهد، کارنامه‌دار، با برنامه، مقبول اکثریت ذی‌نفعان و دارای تیم هماهنگ نخواهد بود. زیرا ظهور چنین شخصیت‌هایی به معنی پایان منفعت‌های اقلیتی است که همه دستاوردهایشان محصول همین ساختارهای غیرشفاف، غیردموکراتیک، غیرپاسخگو و غیرعلمی است. برای مثال دانشمند و فاضل بودن وزیر ۸ سال یا ۱۶ سال بعد با مسیر ۷۰ خان ادامه تحصیل معلمان جوان چگونه قابل جمع است؟ مگر نه آنکه در غیاب یک سازوکار منطقی، شفاف و صدالبته فرصت برابر برای رقابت، همچنان فرهنگ سازمانی سفارش‌محور و دل‌بخواهی امکان ادامه تحصیل را به نابرابرترین و غیرشفاف‌ترین وجه ممکن بازتوزیع می‌کند؟ یا اگر مدیر و مجرب بودن و شناخت جامعی از مسائل صف و ستاد داشتن از شرایط غیرقابل انکار یک وزیر مطلوب است، آیا سازوکاری منطقی طراحی شده است تا معلمان توانمند و مستعد بتوانند سلسله مراتب اداری را به‌صورت پله‌پله و غیرآسانسوری و مبتنی‌بر شایستگی طی کنند؟ یا همچنان تنها مسیر عمده پیش روی رشد در ساختار اداری، سوار شدن بر اتوبوس جناح‌ها و شخصیت‌های سیاسی و طی کردن مسیر چندساله در چند روز است؟ و همچنان مسئولیت‌ها یکی پس از دیگری بی‌سنجش و ارزیابی میزان موفقیت یا عدم موفقیت به‌صورت خودکار برای برخی رزومه اجرایی می‌شود؟ یا اگر از ضرورت ایفای نقش و مشارکت ذی‌نفعان مهمی چون جامعه اولیای دانش‌آموزان و معلمان صحبت به میان می‌آوریم چرا درباره لوازم ابتدایی و چگونگی تحقق آن یعنی تقویت انجمن‌ها و اتحادیه‌های مستقل در عمل اثری نمی‌بینیم. به همین صورت می‌توان در برابر همه مولفه‌های وزیر مطلوب - که به‌صورت مقطعی در ایام انتخاب وزرا بسیار پربسامد می‌شود - می‌توان با افزون چگونگی مسیر تحقق آن، به طرح چنین پرسش‌های پرداخت. القصه آن که اگر می‌خواهیم بساط شوراهای که به‌یک‌باره چون قارچ بهاری سبز می‌شوند وزیر می‌تراشند جمع شود یا تاریکخانه مافیاهای همیشگی برچیده شود یا رویکرد سلبی‌مان اندرمیان گزینه‌های حداقلی به رویکرد ایجابی در بین گزینه‌های حداکثری بدل شود یا به جای مواجهه با لابی‌گران سیاسی آسانسورنورد با متخصصان متعهد و کارنامه‌دار برسیم؛ هیچ راه دیگری جز اصلاح فوری فرآیندها و سازوکارهای مدیریت بهینه منابع انسانی منطبق با اصول بدیهی عقلانی و فرمایشات مکرر دینی نداریم. شاید این مسیر در آغاز بسیار ناهموار و سخت در نظر آید لکن هر کار بزرگی نیازمند اراده‌ها و همت‌های بزرگ است. چه خوش گفتند استاد سبزواری عزیز که «پروا مکن بشتاب همت چاره‌ساز است.»

در آستانه رسیدن
به فصل واکسیناسیون آنفلوآنزا

چگونه از ابتلای کودک به پنومونی جلوگیری کنیم؟

پنومونی یا ذات‌الریه، بیماری عفونی شایع در کودکان است که باعث سرفه، تب و مشکلات تنفسی می‌شود. پنومونی یک بیماری جدی در کودکان است که امکان دارد کودک را حتی به بستری شدن بکشاند. اما پنومونی یا ذات‌الریه خودش به تنهایی ایجاد نمی‌شود یا خود این بیماری کودک را به بستری نمی‌کشاند، بلکه یک بیماری ثانویه است و به دنبال ورود ویروس به بدن کودک ایجاد می‌شود. متخصصان اطفال معتقدند که ذات‌الریه می‌تواند از طریق آنفلوآنزا در کودک به وجود بیاید. نکته مهم در این بین این است که شهریور ماه، فصل آغاز واکسیناسیون آنفلوآنزا است. دکتر نفیسه برهانی، متخصص اطفال در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «شهریورماه فصل واکسیناسیون آنفلوآنزاست. آنفلوآنزا خودش ویروس است و معمولا خود ویروس موجب پنومونی آسیب‌زا و خطرناک نمی‌شود اما معمولا وقتی افراد به آنفلوآنزا مبتلا می‌شوند، روی آن یک بیماری باکتریایی سوار می‌شود. یعنی میکروب دیگری به‌جز ویروس آنفلوآنزا وارد بدن می‌شود یا میکروبی که پیش از این وارد بدن شده بود، به دلیل کاهش ایمنی بدن شروع به فعالیت می‌کند و یک پنومونی یا ذات‌الریه را ایجاد می‌کند که برای کودک آسیب‌زا و آزاردهنده است.»

ذات‌الریه ناشی از آنفلوآنزا نیست بلکه از عوارض آن است

البته برهانی تاکید کرد که درصد کمی از کودکان به این نوع ذات‌الریه مبتلا می‌شوند. او ادامه داد: «تنها درصد کمی از کودکان به این نوع ذات‌الریه که ناشی از خود آنفلوآنزا نیست، مبتلا می‌شوند اما از عوارض آنفلوآنزا است. اما به این دلیل که برای کودکان بسیار آزاردهنده است، کودکان در آی‌سی‌یو بستری می‌شوند و در مواردی نیز حتی منجر به از دست رفتن کودک می‌شود. بنابراین برای ما بسیار مهم است حتی همین افراد کم نیز با واکسن پیشگیری کنند و توصیه می‌کنیم که سالانه واکسن آنفلوآنزای کودکان تزریق شود تا همان درصد کم کودکان هم مبتلا نشوند.» این متخصص اطفال توضیح داد: «واکسنی که باید تزریق شود، واکسن آنفلوآنزا است و دز آن در سنین مختلف متفاوت است. بستگی به این دارد که بار اول تزریق می‌کنند یا نه و همچنین برای کودکان زیر ۹ سال متفاوت است. این امر تحت نظر پزشک مشخص شود و هیچ‌کس به صورت شخصی واکسن آنفلوآنزا تزریق نمی‌کند بلکه باید به پزشک متخصص یا مراکز بهداشت مراجعه کنند. البته مراکز بهداشت واکسن آنفلوآنزا را ندارند اما برای تزریق می‌توانند راهنمایی کنند. کودکان زیر۹ سال اگر برای اولین بار واکسن را تزریق می‌کنند باید در دو مرحله تزریق کنند، با فاصله ۱۵ روز تا یک ماه. اما اگر سال دومی است که واکسن می‌زنند، همان یک نوبت کافی است.»

برهانی همچنین در رابطه با کودکانی که سال گذشته درگیر بیماری ذات‌الریه شدند نیز گفت: «این کودکان حتما باید واکسن آنفلوآنزا تزریق کنند. همچنین واکسن دیگری به نام پنوموکوک هم داریم که یک باکتری مخصوص همین پنومونی است که بیشترین علت ایجاد پنومونی حاد است، مخصوصا در سنین اطفال. این واکسن پنوموکوک موجود است اما در پروتکل واکسیناسیون کشوری وجود ندارد. هرکسی که بخواهد، می‌تواند تزریق کند. قشر خاصی از کودکان مانند کودکان آسیب‌پذیر -مثلا اطفالی که کاشت حلزون داشتند- باید تزریق کنند ولی برای سایر اطفال این واکسن اختیاری است اما برای این کودکان اجباری است. به کسانی که ذات‌الریه گرفتند و این ذات‌الریه موجب بستری شدن آنها شده، توصیه می‌شود حتما واکسن پنوموکوک را تزریق کنند.» برهانی همچنین اشاره کرد برای تهیه واکسن پنوموکوک متخصص اطفال باید نسخه لازم را تهیه کرده و تزریق نیز باید در یک مرکز مجهز صورت بگیرد؛ چراکه امکان دارد منجر به حساسیت‌های شدید شود و لازم است که با حضور پزشک متخصص انجام شود. بنابراین نباید سرخود و در خانه تزریق واکسن‌ها را انجام داد.

این پزشک متخصص همچنین به این امر اشاره کرد که واکسن آنفلوآنزا سال‌هاست تزریق می‌شود و آنفلوآنزا نیز سال‌هاست که در جهان وجود دارد اما اکنون به کمک رسانه‌ها اطلاع‌رسانی درباره این بیماری جدی‌تر است. سایر متخصصان عفونی نیز معتقدند پس از معاینه و بررسی بیمار توسط پزشک، درمان پنومونی انجام می‌شود. اگر عامل ایجادکننده پنومونی میکروبی باشد در صورت نیاز آنتی‌بیوتیک تجویز می‌شود ولی اگر عامل بیماری ویروس باشد بیشتر باید درمان‌های حمایتی انجام پذیرد تا بیماری کنترل شود. با رعایت نکات بهداشتی در محیط زندگی و تماس نداشتن فرد آلوده با دیگران می‌توان از بروز پنومونی پیشگیری کرد. با تزریق واکسن آنفلوآنزا برای افراد در معرض خطر در هنگام شیوع پنومونی می‌توان احتمال ابتلا به بیماری را در این افراد کاهش داد. مصرف رژیم غذایی سرشار از ویتامین C به مقدار زیادی می‌تواند باعث تقویت سیستم ایمنی فرد مبتلا شود. همچنین دریافت مایعات به میزان کافی و مصرف به‌موقع و صحیح آنتی‌بیوتیک‌های تجویزشده توسط پزشک در درمان بیماران اهمیت دارد.